



فارسيا در مغرب

دکتر عبدالرسول خيراندیش

فارسيا در ذراغ منظره

دکتر عبدالرسول خيراندیش

هیئت علمی دانشگاه شیراز



انتشارات آبادبوم

www.ABADBOOMNASHR.com

۱۳۹۴



شماره انتشار | انتشارات آبادبوم



فارسیان در برابر مغولان

تألیف | عبدالرسول خیراندیش

طرح جلد | حمید مازیار

صفحه‌آرایی و تنظیم متن | واحد تولید انتشارات آبادبوم

تایپ | صدیقه محمدی

قیمت | ۲۵/۰۰۰ تومان

نوبت چاپ | اول، اسفند ۱۳۹۴

شمارگان | ۱۰۰۰ نسخه

شابک | ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۵۰۱-۵-۲

لیتوگرافی، چاپ و صحافی | واژه‌پرداز اندیشه

چاپ اندیشه | ۶-۶۳-۷۷۱۴۵۰



نشانی انتشارات آبادبوم | تهران، بلوار کشاورز

بین خ. کارگر و جمال‌زاده، پ. ۳۴۰، واحد ۹

تلفکس | ۶۶۵۶۴۲۶۵-۶

وبسایت | www.abadboomnashr.com

وبسایت | www.ketab.ir/abadboom

به یاد امیر مقرب الدین مسعود
نجات بخش شیرازیان در برابر مغولان



فهرست مختصر مطالب

۱۷.....	دیباچه.....
۲۱.....	مقدمه.....
۲۹.....	سال شمار وقایع تاریخی.....
	فصل اول:
۴۳.....	فارس در آستانهٔ هجوم مغولان به ایران.....
	فصل دوم:
۵۳.....	اتابک سعد اول: تلاش برای دور نگهداشتن فارس از جدال خوارزمشاهیان و مغولان.....
	فصل سوم:
۶۵.....	اتابک ابوبکر سعد؛ تلاش نافرجام برای ایستادگی در برابر مغولان.....
	فصل چهارم:
۹۷.....	از سعد دوم تا سلجوق شاه؛ تلاش‌های نظامی در برابر قشون‌کشی مغولان به فارس...۹۷.....
	فصل پنجم:
۱۰۹.....	ابش خاتون؛ ناکامی در برابر تصرف دیوانی فارس توسط مغولان.....
	فصل ششم:
۱۳۳.....	حکومت مالیاتی خاندان طیبی؛ تلاش برای دور نگهداشتن فارس از مداخلهٔ مغولان.....
	فصل هفتم:
۱۵۹.....	اینجویان؛ تلاش برای رهایی فارس از مداخله و سیطرهٔ مغولان.....
	فصل هشتم:
۱۷۷.....	مظفریان؛ تهاجم و تسلط فارسیان بر مغولان.....
۱۹۵.....	سخن پایانی.....
۲۰۱.....	پیوست‌ها.....
۲۱۷.....	فهرست منابع.....
۲۲۳.....	نمایهٔ نام‌ها.....

فهرست تفصیلی مطالب

دیباچه.....	۱۷
مقدمه.....	۲۱
سال‌شمار وقایع تاریخی.....	۲۹
فصل اول: فارس در آستانهٔ هجوم مغولان به ایران.....	۴۳
حملهٔ مغولان به ایران از شهر طراز تا شیراز جنت طراز.....	۴۴
مغولان در جدال با خوارزمشاهیان و سوختن خانمان ایرانیان از آن.....	۴۵
دولت‌ها و ارتش‌های ترک در عصر تهاجم مغولان.....	۴۶
شکل‌گیری دولت و ایالت شبانکاره در شرق و جنوب فارس.....	۴۷
ترکمانان سلجوقی و تشکیل دولت اتابکان در قسمتی از فارس با مرکزیت شیراز.....	۴۷
زوال سیراف و تسلط قیصریان، فرمانروایان کیش، بر سواحل و تجارت خلیج فارس.....	۴۸
شول‌ها، متحدان اتابکان فارس در برابر ملوک لر.....	۴۹
درگیری اتابکان فارس در نواحی مرکزی ایران.....	۴۹
استقرار دولت سلغریان و قدرت یافتن سعد زنگی.....	۵۰
توصیف سعدی شاعر از اوضاع فارس در اوایل جوانی خویش.....	۵۰
فصل دوم: اتابک سعد اول؛ تلاش برای دور نگهداشتن فارس از جدال خوارزمشاهیان و مغولان.....	۵۳
مداخلهٔ اتابک سعد در اصفهان به امید تسلط بر آن شهر.....	۵۴
جدال عباسیان، سلغریان و خوارزمشاهیان بر سر عراق عجم.....	۵۵
آغاز جدال خوارزمشاهیان با مغولان.....	۵۶
حملهٔ مغولان و شکست خوارزمشاهیان.....	۵۶
سقوط شهرهای ورارود و توصیهٔ خوارزمشاه به تسلیم.....	۵۷
اتابک سعد در بازگشت به شیراز.....	۵۸

۵۹	اتابک سعد، سلطان محمد را در برابر مغول تنها می گذارد و اظهار خشم سلطان از او
۵۹	رویاریابی اتابک سعد با رکن الدین خوارزمشاه بر سر اصفهان
۶۰	حمله غیاث الدین خوارزمشاه به فارس در سال ۶۲۱ هـ
۶۱	پیوستن اتابک سعد به جلال الدین خوارزمشاه، قهرمان مبارزه با مغولان
۶۲	جنگ اتابک سعد با قطب الدین شبانکاره و خرابی شدید فارس
۶۲	اقدامات اداری و عمرانی سعد زنگی
۶۵	فصل سوم: اتابک ابوبکر سعد؛ تلاش نافرجام برای ایستادگی در برابر مغولان
۶۶	فرمانروایی اتابک ابوبکر در فارس و جنگ با مغولان بر در اصفهان به سال ۶۲۴ هـ
۶۷	تصرف جزیره کیش توسط نیروهای اتابک ابوبکر
۶۹	تحول موقعیت کرمان در اتحاد با ملوک هرموز و اطاعت از مغول
۷۰	حمله مغولان به جلال الدین خوارزمشاه و تصمیم او برای عزیمت به اصفهان
۷۰	رویگردانی مردم آذربایجان از خوارزمشاهیان
۷۱	آخرین روزهای زندگی جلال الدین با ملکه پارس
۷۲	پایان کار جلال الدین خوارزمشاه
۷۳	سرنوشت ملکه پارس پس از جدایی از جلال الدین خوارزمشاه
۷۴	اطاعت براق حاجب از مغولان و تلاش ناموفق فارس در ممانعت از آن
۷۵	جنگ در خراسان و سیستان و سقوط نهایی آن ایالات
۷۵	جنگ های شدید و طولانی مردم اصفهان با مغولان و سقوط آن شهر
۷۶	دور سوم کشورگشایی مغولان در ایران و سیاست جدید آنان
۷۷	موقعیت دولت مغول در ایران از سال ۶۳۳ هـ
۷۷	سفر یک شیرازی به مغولستان و حکایت مردمرداری اکتای قاآن
۷۸	قبول اطاعت اتابکان یزد از مغولان
۷۸	قبول اطاعت دولت سلجوقیان روم از مغولان
۸۰	اوضاع سیاسی ایران پس از ۶۳۳ هـ و تصمیم اتابک ابوبکر به اطاعت از دولت مغول
۸۰	اعزام تهمتن، برادر اتابک ابوبکر به مغولستان و نمایش سخاوتمندی اکتای قاآن
۸۱	تدبیر شبانکارگان در مقابل مغولان و موفقیت موقتی آنها
۸۲	اقامت نماینده دولت مغول در بیرون شیراز
۸۲	نگرانی اتابک ابوبکر از برادر خویش سلغور شاه به دلیل سیاست مغولان
۸۳	کشمکش اتابک ابوبکر با خلافت عباسی
۸۴	تعارض اهل مدرسه با اتابک ابوبکر و اخراج آنها از شیراز

۸۶		رونق علوم ادبی در عصر اتابکان سلغری فارس
۸۷		توجه اتابک ابوبکر به اهل عرفان و تصوف
۸۸		تصرف بحرین و قطیف توسط سلغریان
۸۸		فشارهای مالی بر مردم فارس از زمان اتابک ابوبکر
۸۹		پناهندگی معزالدین مسعود شبانکاره نزد سلغریان و قتل او به فرمان اتابک ابوبکر
۹۰		حمله شبانکارگان به فسا و داراب و تخریب و کشتار
۹۰		جنگ بزرگ سلغریان و شبانکارگان در جهرم
۹۰		لشکرکشی هلاکو خان به ایران و پیوستن سلغریان به او در حمله به اسماعیلیان و عباسیان
۹۱		تأسف سعدی از واقعه بغداد و در عین حال تأیید اقدام اتابک فارس در همراهی با مغولان
۹۲		تأسیس دولت ایلخانان در ایران و شرایط جدید ایالت فارس
۹۳		لشکرکشی مغولان به شبانکاره، آخرین سنگر مقاومت ایرانیان
۹۳		به شهادت رسیدن ملک مظفردین شبانکاره در جنگ با مغولان در سال ۶۵۹هـ
۹۴		به قدرت رسیدن ملوک جدید شبانکاره
۹۴		اوضاع اداری و عمرانی فارس در اواسط قرن هفتم
		فصل چهارم: از سعد دوم تا سلجوق شاه؛ تلاش‌های نظامی در برابر قشون‌کشی
۹۷		مغولان به فارس
۹۸		عزل و قتل ملک قطب‌الدین شبانکاره
۹۹		به قدرت رسیدن نظام‌الدین حسن در شبانکاره
۹۹		زوال حکومت فارس با مرگ اتابک ابوبکر
۹۹		افزایش نفوذ مغولان در شیراز با کمک ترکان خاتون یزدی
۱۰۱		قیام سلجوق شاه و کشتار مغولان در شیراز به سال ۶۶۱هـ
۱۰۱		جنگ شبانکارگان با سلجوق شاه و عقب‌نشینی او به کازرون
۱۰۲		عزیمت سلجوق‌شاه به ساحل شیف و کشتن شحنه دشتستان
۱۰۲		رسیدن لشکر مغول به فارس و چگونگی نجات شیراز از قتل و غارت
۱۰۳		جنگ در کازرون و شکست سلجوق شاه و قتل عام کازرونی‌ها
۱۰۴		پایان کار سلجوق شاه و سرنوشت دختران او
۱۰۵		شورش قاضی شرف‌الدین در فارس علیه مغولان و قتل او
۱۰۵		انصراف مجدد هلاکو خان از کشتار مردم شیراز
۱۰۹		فصل پنجم: ابش خاتون؛ ناکامی در برابر تصرف دیوانی فارس توسط مغولان
۱۱۰		آغاز فرمانروایی ابش خاتون بر فارس (شیراز)

- بازیابی موقعیت شبانکاره توسط جلال‌الدین طیب شاه و زوال مجدد آن دولت ۱۱۱
- هرموز در آستانه تشکیل دولت جدید و ترتیبات جدید ایالت فارس برای خلیج فارس ... ۱۱۲
- توصیف مارکوپولو از هرموز ۱۱۳
- کلجه، نایب دیوان اتابکی ۱۱۳
- انکیانو، حاکم مغولی فارس و اقدامات نافرجام او برای اداره و آرامش شیراز ۱۱۴
- انکیانو و بزرگان عرفان در شیراز ۱۱۴
- حکومت سوغونجاق نویان در فارس (شیراز) ۱۱۵
- لشکرکشی سوغونجاق نویان به جزیره کیش ۱۱۶
- عزیمت ابش خاتون به اردو و ازدواج با منکوتیمور و تجهیزه عروس فارس ۱۱۶
- زندگی خانوادگی کوتاه ابش خاتون با منکوتیمور ۱۱۷
- اضافه شدن سیرجان به کرمان و پیوندهای خانوادگی میان شیراز و کرمان ۱۱۷
- درماندگی شمس‌الدین تازیکو بر اثر نابسامانی در جمع‌آوری مالیات فارس ۱۱۸
- نامه سعدی به شمس‌الدین تازیکو ۱۱۹
- حمله مغولان نکوداری به فارس و غارت اموال مردم ۱۱۹
- حمله مجدد نکودریان به فارس در سال ۶۸۰هـ ۱۲۱
- حکومت مجدد سوغونجاق در فارس و وزارت خواجه نظام‌الدین ۱۲۱
- کشمکش میان عمال دیوانی در فارس و برکناری سوغونجاق ۱۲۲
- قاضی بیضاوی و اندیشه‌های او درباره کشورداری و عدالت ۱۲۲
- کشمکش عمال دیوانی فارس ۱۲۲
- طغاجار در مقام حکومت فارس و برکناری سوغونجاق ۱۲۳
- اوضاع شیراز و نامه صاحب‌دیوان به بزرگان آن شهر ۱۲۳
- آمدن طاشمنگو به شیراز و فرار بولوغان و طرفدارانش به خراسان و رهایی شیراز بار دیگر از
کشتار و غارت ۱۲۴
- بازگشت ابش به شیراز و جشن و شادی مردم و تصمیمی که در مورد املاک فارس گرفت ۱۲۵
- به قدرت رسیدن سید عمادالدین در شیراز و قتل او و تصمیم ارغون خان به احضار ابش
خاتون ۱۲۶
- حکومت مجدالدین رومی بر فارس (شیراز) ۱۲۷
- احضار ابش خاتون به اردو و درگذشت او در تبریز و پایان دولت سلغریان ۱۲۸
- خشکسالی و قحطی و هجوم ملخ به فارس در دهه ۶۸۰هـ ۱۲۹

کشتار عمال دیوانی فارس (شیراز) و مصادره اموال و غارت ثروت مردم توسط مأموران	
دولت ایلخانی.....	۱۳۰
اجاره دادن مالیات فارس به جمال‌الدین طیبی.....	۱۳۱
فصل ششم: حکومت مالیاتی خاندان طیبی؛ تلاش برای دور نگهداشتن فارس از	
مداخله مغولان.....	۱۳۳
آخرین ظلم‌های ارغون خان به مردم فارس و روشن کردن آتش توسط مردم شهر.....	۱۳۵
تغییرات موقت در دیوانسالاری.....	۱۳۶
غارت نواحی لر نشین توسط مغولان.....	۱۳۶
اجاره دادن مالیات فارس به جمال‌الدین طیبی در سال ۶۹۲هـ.....	۱۳۶
رواج پول کاغذی در شیراز.....	۱۳۷
ایلخانی کوتاه‌مدت بایدو و اوضاع فارس.....	۱۳۸
کردوچین، دختر ابش خاتون، پادشاه کرمان ۶۹۴هـ.....	۱۳۸
کشمکش میان بایدو و غازان و تأثیر آن بر فارس.....	۱۳۸
ادعای عزالدین مظفر علیه جمال‌الدین طیبی و نتیجه آن.....	۱۳۹
اجاره مجدد مالیات فارس توسط جمال‌الدین طیبی در سال ۶۹۶هـ.....	۱۳۹
تجارت خاندان طیبی از طریق دریا با هند.....	۱۴۰
تجارت اسب توسط خاندان طیبی.....	۱۴۱
ملک جمال‌الدین و تجارت مروارید در خلیج فارس.....	۱۴۱
کشمکش جمال‌الدین طیبی با ملوک هرموز و پایان رونق کیش.....	۱۴۲
وقفه در فعالیت‌های اقتصادی ملک جمال‌الدین طیبی ۶۹۷هـ.....	۱۴۳
اوضاع فارس پس از جمال‌الدین طیبی، فرمانروایی ساداق ترخان و بروز قحطی و بیماری.....	۱۴۳
سال پرمحنت ۶۹۹هـ برای شیرازیان.....	۱۴۴
ادامه ظلم و ستم عمال دیوانی بر مردم فارس.....	۱۴۵
هجوم لشکر دوا به فارس در سال ۶۹۹هـ و غارت اطراف شیراز و کازرون و دشتستان و	
هرموز.....	۱۴۶
اقدامات غازان خان برای دفاع از شیراز در سال ۷۰۲هـ و لشکرکشی به کرمان.....	۱۴۷
«طاس عدالت» و درخت عروس مستان در شیراز.....	۱۴۷
ترتیبات جدید برای فارس در سال ۷۰۲هـ و فعالیت مجدد جمال‌الدین طیبی.....	۱۴۸
ابلاغ قانون مالیاتی فارس و ادامه ظلم و ستم بر مردم و لغو آن.....	۱۴۸
حکومت عزالدین طیبی بر فارس.....	۱۵۰

حکومت خواجه عزالدین قوه‌دی در شیراز ۷۱۴هـ.....	۱۵۰
حکومت شیخ بهلول در فارس.....	۱۵۱
ادامه سرگذشت خاندان طیبی در کشور معبر.....	۱۵۱
فرزندان جمال‌الدین طیبی و حکومت بر فارس علیرغم مخالفان.....	۱۵۱
خرابی وضع فیروزآباد فارس در سال ۷۱۸هـ.....	۱۵۲
فرمانروایی کردوچین در فارس از سال ۷۱۹هـ.....	۱۵۲
حکومت سلطان خاتون در شیراز.....	۱۵۴
چگونگی پایان کار خاندان طیبی در سال ۷۲۵هـ.....	۱۵۴
شروع مداخله مغولان چوپانی در فارس.....	۱۵۴
فصل هفتم: اینجویان؛ تلاش برای رهایی فارس از مداخله و سیطره مغولان.....	۱۵۹
«اینجو»، پدیده‌ای در حال گسترش در فارس عصر مغول.....	۱۶۱
شرف‌الدین محمودشاه در مقام اینجویی.....	۱۶۲
فروپاشی دولت ایلخانان و تکاپوی فرزندان شرف‌الدین محمود شاه در فارس.....	۱۶۴
آغاز جدال میان خاندان اینجو.....	۱۶۴
فرمانروایی جلال‌الدین مسعود شاه اینجو در فارس و قدرت‌گیری چوپانی‌ها.....	۱۶۵
فرمانروایی پیرحسین چوپانی بر شیراز و خیزش شیرازیان علیه مغولان.....	۱۶۶
عزیمت ملوک اشرف چوپانی به فارس و خیزش مجدد شیرازیان و هزیمت او.....	۱۶۷
بازگشت مسعودشاه اینجو به شیراز و خیزش دیگرارایان شیرازیان علیه مغولان.....	۱۶۷
قتل و غارت در ابرقو توسط مغولان چوپانی و پایان مداخله مغولان در فارس.....	۱۶۸
پایان مداخله مغولان در فارس.....	۱۶۸
انعکاس شرایط تاریخی در ساقی‌نامه حافظ.....	۱۶۸
روایت ابن بطوطه مراکشی از چگونگی قیام مردم شیراز.....	۱۶۹
ابواسحاق اینجو در مقام فرمانروایی فارس.....	۱۷۰
اقدام شیخ ابواسحاق در احداث بنایی شبیه ایوان مداین.....	۱۷۰
توصیف عبید ذاکانی از ایوان ابواسحاق.....	۱۷۱
گزارش ابن بطوطه از شیراز نیمه اول قرن هشتم.....	۱۷۲
اوصاف شیخ ابواسحاق اینجو.....	۱۷۳
گزارش ابن بطوطه از سادات شیراز در قرن هشتم و بارگاه شاهچراغ.....	۱۷۳
قاضی مجدالدین قالی و مقام و موقعیت او در شیراز.....	۱۷۴
فصل هشتم: مظفریان؛ تهاجم و تسلط فارسیان بر مغولان.....	۱۷۷

۱۷۸.....	برآمدن مظفریان از یزد.....
۱۷۸.....	سرکوب مغولان نکودری توسط مظفریان.....
۱۷۹.....	آغاز جدال بر سر کرمان میان مظفریان و اینجویان.....
۱۸۰.....	حمله به کرمان از خراسان و شرایط جدید برای ایالت فارس.....
۱۸۱.....	شمس‌الدین صاین و نقشی که در تحولات این دوره داشت.....
۱۸۲.....	جنگ میان مظفریان و اینجویان بر سر سیرجان و کرمان.....
۱۸۳.....	مظفریان و مغولان اوغان و جرمان.....
۱۸۴.....	موقعیت مغولان اوغان و جرمان در مناسبات مظفریان و اینجویان.....
۱۸۴.....	شکوه دولت هرموز در زمان قطب‌الدین تهمتن.....
۱۸۵.....	سرکوب مغولان اوغان و جرمان توسط مظفریان.....
۱۸۶.....	شکست ابواسحاق از مبارزالدین مظفری.....
۱۸۶.....	بیعت امیر مبارزالدین با نماینده خلیفه عباسی.....
۱۸۷.....	پایان دولت شبانکارگان.....
۱۸۷.....	آخرین تلاش‌های ابواسحاق اینجو.....
۱۸۸.....	مظفریان، فرمانروایان فارس.....
۱۸۹.....	پایان زندگی شیخ ابواسحاق.....
۱۸۹.....	سرکوب مغولان هزاره شادی.....
۱۹۰.....	وحدت مجدد قلمرو فارس به مانند روزگار بویان.....
۱۹۰.....	تسلط فارسیان بر مغولان.....
۱۹۵.....	سخن پایانی.....
۲۰۱.....	پیوست‌ها.....
۲۱۷.....	فهرست منابع.....
۲۲۳.....	نمایه نام‌ها.....

دیباچه

برای نگارنده دو انگیزه توأمان سبب پرداختن به این پژوهش شده است: یکی عمل به وظیفه حرفه‌ای و دیگری علائق سرزمینی. با این حال تلاش برای ارائه پاسخی علمی به این پرسش که فارسیان در برابر مغولان چه واکنشی داشته‌اند و سرانجام آن چه بوده، بیشتر یک فعالیت پژوهشی بوده است؛ زیرا پیش از این و به‌صورتی مکرر پاسخی ساده و سطحی بدان داده شده بود.

علاوه بر همه آنچه که در متن ملاحظه خواهید کرد و در مقدمه نیز متذکر شده‌ام، تحولات فارس عصر مغول، هم پیچیده‌تر از آن است که بتوان به آسانی آن را توضیح داد و هم عوامل و عناصر مؤثر در رویدادهای آن متنوع‌تر و گسترده‌تر از آن بوده‌اند که بشود به سادگی به قضاوت درباره آن نشست. به همین جهت هر چند این کتاب بازگوکننده گوشه‌ای از تحولات عصر مغول به‌شمار می‌آید، اما در اصل فصلی از تاریخ فارس است.

● دوره تاریخی این کتاب از اواسط دولت بوییان، در قرن چهارم هجری برابر با قرن دهم میلادی تا اواسط مظفریان، در قرن هشتم هجری برابر با قرن چهاردهم میلادی است. اما تمرکز بحث بر عصر مغول در تاریخ ایران از نیمه اول قرن هفتم هجری برابر با قرن سیزدهم میلادی تا نیمه اول قرن هشتم هجری برابر با قرن چهاردهم میلادی است. به عبارت دیگر عصر سعدی و حافظ.

● در این نوشته نام دولت‌های آل بویه به‌صورت بوییان، اتابکان سلغری فارس به‌صورت دولت سلغری / سلغریان، آل اینجو به‌صورت اینجویان، بنی قیصر به‌صورت قیصریان و آل مظفر به‌صورت مظفریان آورده شده است. به همین شکل نام طولانی اشخاص پس از آوردن صورت کامل آن در اولین بار، پس از آن به‌صورت کوتاه‌شده آمده است.

• هر فصل از این کتاب دارای سه قسمت «درآمد»، «متن» و «برآیند» است. متن یا قسمت میانی که وقایع نگاری است، به صورتی است که در سراسر کتاب نشانگر توالی و ترتیب رویدادهاست و سیری یکدست و مستمر را پی گیری می کند، آنهم به نحوی که قابل استفاده برای همگان باشد. در این قسمت تا جایی که امکان داشته از کاربرد عدد برای نشان دادن زمان رویدادها خودداری شده است. در عوض با استفاده از فهرست گاه شماری از وقایع در ابتدای کتاب، می توان به شکلی یکجا روند رویدادها را مشاهده کرد. فهرست مختصر و فهرست تفصیلی نیز دستیابی به این تصویر عمومی را ممکن می سازند. اما «درآمد» زمینه رویدادها و اتصال به مباحث پیشین و «برآیند»، نتیجه گیری و گشودن افق برای مباحث فصل بعدی را نشان می دهد.

• در این پژوهش هرچند کارنامه فارسیان عصر مغول واکاوی شده است، اما در هرجا که در ارتباط با رخدادها و مورد بررسی، فارسیان معاصر نوشته ای درباره عصر مغول در تاریخ ایران داشته اند، به آنها نیز اشاره شده است. این همنشینی دور و نزدیک در فرهنگ کنونی شهر شیراز نیز وجود دارد؛ زیرا این سرزمین هرچند کهنسال است، اما بیشترین و در همان حال قدیمی ترین حامل های خاطره تاریخی آن مربوط به عصر اتابکان و عناصر و عوامل پیرامونی آنهاست. بنای شاهچراغ، درب شیخ (روزبهان)، سعدی و حافظ و همه آنچه از آثار آنان است، مسجد نو، مقبره خاتون قیامت، گذر اتابکان، انار اتابکی، خاک مصلی و حتی بازسازی و امکان دوام یافتن تأسیسات قدیمی تر مانند مسجد عتیق و مقبره ابن خفیف و آب رکنی و بسیاری موارد دیگر. این آثار چه مادی و چه معنوی چنانکه گفته شد نه تنها بیشترین و قدیمی ترین عناصر تاریخی شیراز و در شمار میراث ملی و جهانی هستند، چنانکه به صورت «گذشته زنده» حضور دارند، بلکه از جمله عناصر فرهنگی به شمار می آیند که بخشی بسیار مهم از تاریخ میانه آن را «بی واسطه» به امروز پیوند می دهند.

• در این کتاب منظور از «اردو»، دربار و پایتخت ایلخانان است که به طور معمول در مکان معینی نبوده است. هرچند نام چند شهر را به عنوان مرکز استقرار آن دولت می شناسیم، اما همواره به بیلاق و قشلاق در ماه های گرم و سرد سال می رفته اند. از آنجا که هریک از زنان معتبر ایلخانان دارای اردویی بوده اند و ایلخان مدام از یکی به دیگری نقل مکان می کرد، عوامل دربار و دولت (دیوان سالاری) نیز با او جابجا می شدند.

- جغرافیای استقرار لشکرها و مقامات دولتی ایلخانان مغول در ایران، بیشتر در سمت «شمال غربی» کشور بوده که از مرزهای کنونی ایران فراتر بوده و شامل آذربایجان، کردستان، زنجان، اراک، قفقاز و قسمتی از آناتولی می‌شده است. عمده تحولات داخلی دولت ایلخانان را هم در همین عرصه جغرافیایی مشاهده می‌کنیم.
- اگرچه معمول چنان است که از معاصران در تقدیمه کتاب یاد می‌شود اما این نوشته را به یاد ابوالمفاخر مقرب الدین مسعود بن بدر، از بزرگان فارس عصر مغول نامبردار کرده‌ام. امید است ضمن ادای حقی که بر گردن فارسیان دارد، موجب زنده شدن نام فراموش‌شده او که هم نجات‌بخش شیرازیان و هم آبادگر فارس بوده است، بشود.
- در پایان وظیفه خود می‌دانم از خانم‌ها دکتر مریم شییری، دکتر مریم غلامی و آقایان دکتر احمد فضلی‌نژاد و کیوان مددی و همچنین مدیر فرهیخته انتشارات آبادبوم، آقای مجتبی تبریزیا به‌خاطر مساعدتی که در آماده‌سازی این اثر داشته‌اند، تشکر نمایم.

دکتر عبدالرسول خیراندیش

شیراز

۱۳۹۴/۲۰۱۶.ش.

مقدمه

اگرچه این پژوهش به دور از اندیشه دفاع از فارسیان در برابر «قول به اطاعت بدون مقاومت آنان از مغولان» نیست، اما پیش از آن درصدد است ساده‌انگارانه بودن چنین قولی را با نشان دادن پیچیدگی شرایطی که رخدادهای عصر مغول بر بستر آن پدیدار می‌شد، یادآور شود؛ به همین نحو نیز نباید منظور از فارسیان در عنوان این کتاب را با تلقی عجولانه‌ای از دارندگان یک نژاد (پارس) یا زبان (فارسی) همراه ساخت. آنچه که در اینجا با عنوان فارسیان مورد خطاب قرار گرفته است، در قدم اول ساکنان سرزمین فارس (پارس) و در قدم دوم مدافعان آن را مدنظر دارد. در دوره تاریخی که این پژوهش به بررسی آن پرداخته است، ترکمانان سلغری اگرچه نه پرجمعیت‌ترین اما قدرتمندترین و در نتیجه اثرگذارترین گروه جمعیتی ساکن پارس را تشکیل می‌دادند. آنان که در دنباله و در تابعیت از ترکمانان سلجوقی در فارس به قدرت رسیده بودند، تمام عناصر تورانی ماقبل خود در این سرزمین را هم پذیرا شدند، اگرچه قرائنی در دست نیست که آنان گویشور زبانی به‌جز فارسی بوده باشند؛ زیرا نیروی نظامی آنان علاوه بر ترکمانان مرکب از شول‌ها، دیلمیان و لر‌ها نیز بود. در همان حال به‌طور کامل نیز متکی به شهرنشینان و دیوان‌سالاران و اهل خانقاه و مدرسه بودند. حضور سلسله‌ای از عرفای پرتطرفدار مانند محمد بن خفیف مشهور به شیخ کبیر، شیخ ابواسحاق کازرونی معروف به شیخ مرشد، شیخ روزبهان معروف به شیخ شطاح، شیخ ابوعبدالله محمد معروف به باباکوهی، شیخ مصلح‌الدین معروف به سعدی و شمس‌الدین محمد معروف

به حافظ، در سراسر سه قرنی که این کتاب بدان می‌پردازد از شواهد اصلی حضور پر قدرت زبان فارسی در فارس این دوران به‌شمار می‌آید.^۱

بعلاوه حضور مستمر و مؤثر خاندان‌های قضات فارسی اعم از خاندان افزری، بیضاوی و فالی^۲ و به موازات آنان خاندان‌های دیوانسالار پر تعداد و پر قدرتی که نامی ماندگار در ادبیات فارسی و عربی یافته‌اند نشان می‌دهد، در وهله نخست زبان فارسی به‌عنوان زبان همگانی، زبان دیوانسالاری، زبان شعر و زبان عرفان و سپس زبان لشکری و درباری، رایج بوده و در مرتبه بعد زبان عربی به‌عنوان زبان دینی و حقوقی (فقه) رواج داشته است. در واقع سرآمدان زبان فارسی و عربی در فارس این دوران از یک‌سو با اکثریت فارسی‌زبانانی مشتمل بر شهریان، روستاییان، صحرائیان، ساحل‌نشینان و کوه‌نشینانی سروکار داشتند که یا مریدان صوفیان، یا مراجعان دیوانسالاران، یا دادخواهان در پیشگاه قاضیان، یا در کسوت جنگیان و یا شنوای سخن شاعران بوده‌اند؛ و از سوی دیگر مقامات دولتی با مدرسان عالی‌رتبه، بلندپایگان اعزامی دارالخلافه، یا تجار بزرگ پرمایه فعال از هند تا ایران و مصر و شام با بهره‌گیری از زبان عربی سروکار داشته‌اند.

نکته دیگر آنکه هرچند فارس با مرکزیت شیراز در دست ترکمانان سلغری^۳ بود و این نیز با بهره‌گیری از نیروی نظامی به‌دست آمده و استمرار یافته بود، اما چنانکه حافظ

۱. در تاریخ فارس پس از اسلام عرفا نقش بارزی داشته‌اند؛ علاوه بر آثار معنوی، مقابر آنان در سراسر فارس، از جمله شیراز، گویای این واقعیت است، چنانکه سعدی در قرن هفتم در توصیف شیراز می‌گوید:

هزار پیر و ولی بیش باشد اندر وی که کعبه بر سر ایشان همی کند پرواز

۲. یکی از ویژگی‌های تاریخ فارس در سده‌های میانه وجود خاندان‌هایی بود که نسل در نسل در امور قضایی و دیوانی متصدی امور بودند. چنانکه در فصل‌هایی از این کتاب با قاضی بیضاوی و مجدالدین اسماعیل فالی آشنا خواهیم شد.

۳. سلغریان: گروهی از ترکمانان بودند که در پی ترکمانان سلجوقی و در اتحاد با آنان وارد ایران شدند و پس از آنکه مدتی را در نواحی غربی ایران گذراندند از سمت شمال غربی وارد فارس شدند و این در زمان سنقر بن مودود، مؤسس سلسله سلغریان بود که به اتابکان فارس نیز معروف هستند، زیرا فرمانروایان آن لقب «اتابک» داشته‌اند. آنان از اواسط قرن ششم بر فارس حکفرما شدند، اما پایان دولت آنان که به روزگار دولت ایلخانان مغول بود در منابع محل اتفاق نظر نیست زیرا عملاً با مرگ ابش خاتون در ربع آخر قرن هفتم و رسماً با فرمانروایی کوتاه کردوچین، دختر او در ربع اول قرن هشتم دولت آنان پایان یافته است.

به «ترکان پارسی گوی» اشاره می‌کند، نیروی نظامی سلغریان منحصر به ترکمانان نبوده است. بلکه تمامی شول‌ها^۱، بقایای دیلمیان^۲ و در دوره‌ای متأخر جمعیتی قابل توجه از شهریان^۳ بروی هم توان نظامی سلغریان را به وجود می‌آوردند. حال اگر تمامیت فارس آن دوران را در نظر بگیریم، این ترکیب صورتی دیگر نیز از خود نشان خواهد داد. زیرا حدود نیمی از فارس در دست شبانکارگان بود که از کردان فارس به‌شمار می‌آمده‌اند و گویشور به لهجهٔ شبانکارگی^۴، از شعب زبان پهلوی جنوبی بودند؛ سراسر سواحل فارس در دست جاشوها که سربازان دریایی فعال در خلیج فارس و گویشور به لهجهٔ ایراهستانی^۵ بودند که آن هم از شعب زبان پهلوی جنوبی محسوب می‌شد. سرانجام چنانکه لر‌ها^۶، که گویشی از پهلوی جنوبی دارند و در حال توسعه به طرف فارس و جذب شول‌ها در میان خویش بودند را هم در نظر آوریم، سنجش بهتری از اوضاع فرهنگی فارس در حفاصل قرون پنجم تا هشتم هجری به دست خواهیم آورد.

۱. شول‌ها تا قرن پنجم ساکن لرستان بوده‌اند، اما بعد توسط لر‌ها به سمت فارس رانده شدند و بیشتر در «مسنی» که آن زمان «شولستان» نامیده می‌شد و نواحی پیرامون آن مستقر شدند. آنان به صورت متحدان دولت سلغریان در قبال لر‌ها عمل می‌کردند و در بسیاری از تحولات نظامی فارس قرن هفتم و هشتم نقش داشته‌اند.

۲. بقایای دیلمیان فارس پس از انقراض دولت آل بویه در اواسط قرن پنجم، در فسا و نواحی پیرامون آن متمرکز شدند و به صورت جزئی از نیروی دولت سلغریان، بخصوص در قبال شبانکارگان، درآمدند.

۳. شیراز و کازرون و ابرقو از شهرهای مهم فارس عصر سلغریان و مقارن با مغولان بودند. در همهٔ این شهرها جمعیت قابل توجهی ساکن بودند که از میان آنان نیروهایی پیاده که به‌طور عام معروف به پهلوانان بوده‌اند بیرون می‌آمدند. آنان از شورش‌های ضد مغولی و تنازعات درون شهری و میان مدعیان حکومت نقش مهمی داشتند.

۴. شبانکارگان که گردانی از نسل اردشیر بابکان بوده‌اند، مدت‌ها در شمال فارس مستقر بودند و سپس به شرق فارس رفتند. آنان لهجهٔ خاصی موسوم به شبانکارگی از شعب پهلوی جنوبی داشتند.

۵. «جاشوها» سربازان دریایی بودند که به خدمت ملوک کیش معروف به «قیصریان» و سپس «ملوک هرموز» و خاندان طیبی درآمدند. به‌طور معمول آنها از گرمسیرات (جنوبی) فارس جذب خدمات نظامی و دریانوردی می‌شدند. در این منطقه لهجه‌ای موسوم به «ایراهستانی» (اراهستانی) رایج بوده است.

۶. لر‌ها که از قرن پنجم نمود مشخصی در تاریخ یافته‌اند، کم‌کم از لرستان شروع به گسترش نمودند و به صورت دو دولت «لر کوچک» و «لر بزرگ» درآمدند. دولت لر بزرگ موسوم به «بنی هزاراسپ» به طرف فارس قلمرو خود را توسعه دادند و کم‌کم ضمن تصرف اراضی، شول‌های ساکن کوه گیلویه را در خود جذب کرد. در همان حال همواره نیز بخشی از لشکر سلغریان از لر‌ها بوده‌اند.

این پژوهش بررسی موقعیت فارسیان در برابر مغولان را نه به عنوان یک رویارویی نژادی و نه مبتنی بر تفاوت زبانی، بلکه چنانکه گفته شد به معنای مقابله ساکنان و مدافعان این سرزمین در مقابله با مهاجمان به آن دیده است، از هر نژاد یا زبان. حتی گاهی از این نیز پا را فراتر نهاده و در صدد برآمده است این رویارویی را نه به معنای مقابله دو گروه از مردمان (فارسیان و مغولان) بلکه در معنای ایستادگی اندیشه «ایران فریدونی»^۱ در برابر «مهاجمان تورانی»^۲ بداند که آن هنگام مغولان نمونه بارز آن بودند. این نوشته کوشیده است، فارس در عصر تهاجم و استیلای مغولان را عرصه مقابله دو پدیده در سیر تاریخ ایرانیان از روزگار باستان تا بعد بداند، زیرا در شرایطی که در بیشتر نقاط ایران زمین، انسان‌ها و آثار تمدن و فرهنگ بر خاکستر ویرانی‌ها فروخته بودند، این فارس بود که شعله فروزان تمدن ایرانی اسلامی را پاس می‌داشت. در همان حال در اینجا بود که مانند دوران‌های گذشته، مهاجمان دارای روح تورانی (ویرانگر) به دارندگان روح ایرانی (آبادگر) تبدیل می‌شدند. بدین جهت است که در این نوشته تعداد اندک مغولان وارد شده به فارس آن دوران که سرانجام مدافع این سرزمین در مقابل مغولان مهاجم و ویرانگر نکودری^۳ شدند، در شمار فارسیان دانسته شده‌اند. این درست به مانند ترکمانان سلغری، شول‌ها، دیلمیان، شبانکارگان و همه کسانی بودند که برای صیانت از فارس در برابر مغولان، آن هنگام که گروهی مهاجم به شمار می‌آمدند، قرار گرفته بودند. نیز همان گونه که دانشمندان و سخنوران از مظلومان در برابر ظالمان دفاع می‌کردند، قضات فارس بر اجرای عدالت بر اساس قانون (شریعت) و دیوانسالاران به تمشیت امور به روش پیشینیان تأکید می‌کردند. اموری که مغولان در ابتدا با آنها بیگانه بودند و تا مدت‌ها بعد نیز حاضر به پذیرش آنها نبودند؛ تا آن هنگام

۱. منظور از «ایران فریدونی» برهه‌ای از تاریخ ایران از روزگار ایرج است که طی آن جهان فریدونی تقسیم شده بود و قسمت میانی آن یعنی ایران به ایرج رسیده بود. در این حال برادرانش سلم و تور به آن حمله‌ور شده بودند.

۲. مهاجمان تورانی به تمام صحراگردانی اطلاق می‌شود که بر اساس گزارش شاهنامه از روزگار ایرج تا بعدها به ایرانشهر تاخته‌اند و در ادوار تاریخی شناخته شده شامل سکاها، هپتال‌ها، کوشانی‌ها ... و سرانجام مغولان هستند.

۳. «مغولان نکودری»، جمعی از مغولان باغی بر دولت ایلخانان مغول بودند که با غارتگری روزگار می‌گذراندند. از جمله چنانکه در فصل‌های آینده خواهید خواند دو نوبت نیز به فارس حمله‌ور شدند.

که اسلام را پذیرفتند و به قواعد تمدنی و فرهنگی ایرانی گردن نهادند.^۱ این بدان معناست که عرصهٔ جغرافیایی فارس بازگوکنندهٔ همان هدفی بود که فرهیختگان و دیوانسالاران ایرانی از خواجه نصیرالدین طوسی و جونی‌ها تا رشیدالدین فضل‌الله همدانی و دیگران کوشیدند مهاجمان ویرانگر را متوجه، متعهد و ملتزم بدان سازند، یعنی ایمان اسلامی و تمدن ایرانی.^۲

بر این اساس و با توجه به چنین نگرشی، این نوشته کوشیده است به سطحی بالاتر از وقایع بنگرد و بدین منظور درعین حال که وقایع‌نگاری ساده و روایی را که قابل استفاده برای همگان باشد در متن (قسمت میانی) ارائه نماید، در مقدمه (درآمد) و مؤخره (برآیند) هر مبحث نیز شرایطی را طرح نماید که پرتوی روشن‌گر بر چگونگی وقوع رخدادها بیفکند. به همین جهت هرچند سروکار یافتن فارس با مغولان یک دوره یکصد و پنجاه ساله را دربر می‌گیرد، اما دورهٔ تاریخی مورد بحث این نوشته سیصد سال در حفاصل سال‌های ۴۵۰ تا ۷۵۰ هجری یعنی از پایان دیلمیان تا برآمدن مظفریان در تاریخ فارس بوده است. طی این دوران اوضاعی که در فارس از رهگذر وقایع سیاسی و نظامی پدید آمد، زمینه‌ساز به عرصهٔ آمدن نیروهایی شد که می‌بایست در عصر یکصد و پنجاه سالهٔ مغولان وارد عمل شوند. تجزیه و تعارضات درونی فارس که در اصل میان شبانکارگان و سلغریان بود و نیز تهدیدهای بیرونی که از جانب ایالات و حکومت‌های اطراف صورت می‌گرفت، نشان می‌داد که فارس آمادگی لازم از نظر سیاسی و اقتصادی برای مقابله با مغولان را ندارد. در نتیجه علیرغم تمایل به دورماندن از ماجرای مغولان، سرانجام در کنار خوارزمشاهیان علیه مغولان وارد عمل شد. اما دولت خوارزمشاهیان فرجامی کوتاه و توأم با شکست داشت. اکنون که فارس اطاعت از مغولان را می‌پذیرفت، پیش از آنکه تهدید مغول در کار باشد، بیم از همسایگان در این امر تأثیر داشت. نیز مغولان به امید دستیابی به ثروت فارس، قبول اطاعت را به معنای فراموشی از همراهی سلغریان با خوارزمشاهیان قلمداد کردند. از این پس فارس، به عنوان یکی از سرزمین‌های تابعهٔ مغولان می‌بایست تأمین‌کنندهٔ بخشی از درآمدهای

۱. مغولان که در سال ۶۱۶ هجری ایران حمله‌ور شدند سرانجام در سال ۶۹۴ هجری با فرمانروایی غازان خان مسلمان شدند.

۲. وزیرای ایرانی در مرکزیت دولت ایلخان مغول نقش مهمی در ایرانی و مسلمان نمودن آنان داشته‌اند. به همین نحو در مقیاسی کوچکتر، دیوانسالاران و عالمان بلادی مانند فارس در شکل‌گیری این فرآیند نقش داشته‌اند.

مورد نیاز دولت ایلخانان مغول می‌شد. فارس نه در یکی از مرزهای پرخطر دولت ایلخانان مانند ارژان و آذربایجان یا آناتولی و خراسان قرار داشت و نه نقش خاصی در ثبات دولت یا معادلات قدرت در درون دولت ایلخانان ایفا می‌کرد، بلکه بنیان‌های اقتصاد کشاورزی و تجارت آن، اعم از زمینی و دریایی، علیرغم تحمل خسارات فراوان تا آن اندازه از استحکام برخوردار بود که بتواند به‌عنوان یک منبع درآمد مهم برای دولت مغول به‌شمار آید. بدین جهت هرچند فارس چندین بار دست به مقاومت نظامی علیه مغولان زد، اما هیچگاه نیروی نظامی قابل توجهی از جانب مغولان به آنجا اعزام نشد. نیروی اندکی نیز که در فارس و به‌طور کلی نیمه جنوبی ایران مستقر شد، خیلی زود هویت و موجودیت مغولی خود را از دست داد. درواقع فارس نه به‌دلایل نظامی بلکه در قدم اول شرایط سیاسی و سپس از طریق سازوکارهای دیوانی و پس از گذشت پنجاه سال از قبول اطاعت مغولان به‌طور کامل به تملک آنان درآمد. ازاین‌رو فارس اگرچه با تحول جمعیتی و زبانی از رهگذر وقایع عصر مغول روبرو نشد. اما استعمار شدید مردمان و پیچیدگی رفتار عوامل دیوانی و ملکداران که گاه جانب مردم و گاه جانب مغولان و گاه در جهت منافع خود عمل می‌کردند، درمجموع راه را برای تغییرات اجتماعی در این ایالت باز کرد که از نمودهای آن تحول جامعه شیراز از عصر سعدی تا عصر حافظ است. فضای عمومی این تغییر را از خلال اشعار و افکار این دو سخن‌سرای بزرگ می‌توان دریافت. اما درمجموع چنان بود که مغولان به سان طوفانی سهمناک آمدند اما باقی نماندند، درحالی‌که زندگی و جامعه‌ای توأم با تحول و تغییر، آنچنانکه با زمان انطباق یافته بود، برای فارس دوره‌های بعد به‌جا گذاشته شد.

فارس دوره مغول در پژوهش‌های عمومی و اختصاصی متعددی مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله این پژوهش‌ها یک بررسی سیاسی توسط خانم ایگل^۱ برای سده‌های هفتم و هشتم هجری برابر با سده‌های سیزدهم و چهاردهم میلادی است که متأسفانه متن کامل آن به دستم نرسید و دیگری یک بررسی اجتماعی توسط جان لیمبرت^۲ برای سده هشتم هجری برابر با سده چهاردهم میلادی است.^۳

1. Denise Aigle.

2. John Limbert.

۳. جان لیمبرت: شیراز در روزگار حافظ؛ شکوهمندی شهر ایرانی در قرون وسطی، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، شیراز: دانشنامه فارس، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی شیراز، ۱۳۸۷.

پژوهش‌های ماسه دربارهٔ عصر سعدی و قاسم غنی دربارهٔ عصر حافظ نیز جایگاه خاص خود را دارند. همچنان که چنین تحقیقاتی برای تبیین یک اثر ادبی سامان یافته‌اند، پژوهش‌هایی نیز هستند که بستری اقتصادی برای رویدادها را پی‌گیری کرده‌اند. اما این نوشته کوشیده است به اتکای منابع دست اول، بازیابی «موقعیت سرزمینی» را به عنوان رهیافتی برای رسیدن به «وحدت انسانی» پیش رو داشته باشد؛ وحدتی که در پی تحولات گوناگون منتهی به دورهٔ مغول صورتی تجزیه شده یافته بود؛ وحدت انسانی و به عبارتی انسان آرمانی، آنچنان که در این دوره در آثار سعدی و حافظ و مولوی بازتاب یافته است؛ انسانی که جستجوگر حقیقت و عدالت است و در ورای هر آنچه به جدایی انسان‌ها منجر می‌شود، قرار دارد. بدین ترتیب در نگاهی بلند که بی‌عنایت به حکمت تاریخ نیست، این پژوهش کوشیده است از خلال بررسی یک واقعیت تاریخی، به سوی دریافت این حقیقت انسانی که در طوفان سهمگین تهاجم به مدنیت چگونه انسانیت دوباره سر برمی‌آورد، قدمی هرچند کوچک بردارد.

دکتر عبدالرسول خیراندیش
شیراز - ۱۳۹۴ش